

دکتر فاطمه سید ابراهیمی *

حرکت اجتماعی علیه جرم صنفی در آمریکا:

بررسی نقش و کلای عمومی محلی^۱

چکیده

همیشه کنترل جرمهای صنفی^۲، که نوعی جرم یقه سپید^۳ است، تنها به

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س).

۱- تحقیق حاضر که در سال ۱۹۸۹ انجام شده، حاصل یک سال و نیم تلاش مؤلف است. این تحقیق توسط Ford Foundation تامین مالی گردید.

۲- منظور از جرم صنفی [Organized Crime یا Corporate Crime]، که نوعی جرم یقه سپید است، ارتکاب اعمال غیر قانونی به نفع شرکتهای تجاری بزرگ است. جرم صنفی که از اوایل دهه ۱۹۸۰ یکی از مهمترین مسائل اجتماعی آمریکا بوده و خسارات زیادی را بر این کشور وارد نموده است؛ ممکن است به اقتصاد این جامعه و به سیستم سرمایه داری آزاد خسارت زیادی وارد سازد. ارتکاب این جرمها موجب عدم اعتماد عمومی نسبت به شرکتهای بزرگ می گردد. این عدم اطمینان و اعتماد به بازارهای مالی موجب کاهش سرمایه گذاریها در بازار می گردد که در نهایت به اقتصاد لطمه وارد خواهد ساخت. از طرف دیگر، آمار نشان داده که حدود ۳۰ درصد کل سوانح و حوادث صنعتی به دلیل نقض موارد ایمنی توسط شرکتهای تجاری بزرگ است. گرچه این تحقیق مربوط به جامعه صنعتی امریکاست، اما از آنجا که ایران نیز سیستم بازار آزاد را تجربه می نماید و شاهد رشد هر چه بیشتر بخش خصوص در کشور خود هستیم، آشنایی با این نوع جرمها و چگونگی برخورد مناسب با آنها می تواند راهنمای مقابله با مسائل مشابه احتمالی باشد.

۳- جرم یقه سپید (White-Collar Crime) جرمی است که نوعاً توسط طبقه ای از جامعه که از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار هستند، در پروسه ←

عهده دولت مرکزی امریکا (Federal Government) بوده است، اما رفته رفته وکلای عمومی محلی و ایالتی^۴ نیز خود را در قبال کنترل این مسئله اجتماعی مسئول احساس نمودند. علی رغم نقش تاریخی دولت مرکزی در مبارزه با جرمهای صنفی، اگر برنامه مبارزه با این جرمها بخواهد حقیقتاً مؤثر واقع شود، باید دولت محلی در این مبارزه نقش داشته باشد و مقامات حقوقی در سطوح محلی، ایالتی و مرکزی فعالیتهاشان را با همکاری و هماهنگی لازم به انجام رسانند. از آنجاکه متاسفانه اطلاع دقیقی از چگونگی برخورد وکلای محلی با انواع مختلف جرمهای یقه سپید در دست نیست، تحقیق حاضر سعی دارد، از طریق انجام يك Survey (بررسی از طریق نمونه گیری) سراسری از تمام وکلای عمومی محلی در امریکا، بررسی نماید که مقامات حقوقی محلی به چه میزان بر علیه جرمهای صنفی فعالیت دارند و چگونه با این جرمها مقابله می کنند. در این تحقیق سه سؤال مد نظر است: اول، آیا وکلای عمومی محلی ارتکاب جرمهای صنفی را يك مسئله جدی و روبه رشد می دانند؟ دوم، وکلای عمومی محلی نوعاً چه تعداد و چه نوع از جرمهای صنفی را تحت تعقیب قرار می دهند؟ سوم، آیا، برای مقابله با جرمهای صنفی، ترتیبات جدید ساختی در درون ادارات وکلای عمومی محلی و در بین این ادارات و دیگر نهادهای اجرایی بوجود آمده است؟

انجام فعالیتهاى شغلی صورت می گیرد. اختلاسهای مالی نمونه ای از جرمهای یقه سپید هستند. خسارتی که از ارتکاب این جرمها بر جامعه وارد می شود، چند برابر خسارتی است که از طریق ارتکاب جرمهای معمولی وارد می گردد. این جرمها یا توسط افراد به تنهایی صورت می گیرند یا توسط شرکتهای بزرگ. نوع اخیر، که جرم صنفی نامیده می شود، نسبت به نوع اول خسارت بسیار بیشتری را بر جامعه تحمیل می نماید.

۴- از آنجا که ساختار جامعه امریکا شامل سه سطح Local، State و Federal می باشد، ساختار حقوقی این کشور نیز شامل این سطوح می گردد. من باب مثال، وکیل عمومی در سطح Local را وکیل عمومی محلی می نامند، وکیل عمومی در سطح State را وکیل عمومی ایالتی می نامند و وکیل عمومی در سطح Federal را وکیل عمومی مرکزی می نامند.

مقدمه

چون نهادهای مجری قانون همیشه با مسئله محدودیت منابع مواجه هستند، توزیع منابع- از مقدار زمان گرفته تا هزینه مالی و نیروی انسانی مورد نیاز- به طور یکسان جهت اجرای تمام قوانین بکار گرفته نمی شود؛ در نتیجه خیلی از قوانین به اجرا در نمی آیند و رسیدگی به بسیاری از رفتارهای مضر اجتماعی به بوته فراموشی سپرده می شود. افزایش و کاهش توجه مردم و مقامات رسمی به یک جرم، نقش عمده ای در تخصیص یا عدم تخصیص منابع گوناگون جهت کنترل آن جرم دارد. بنا براین تاریخ عدالت کیفری (Criminal Justice) امریکا مملو است از مبارزات دوره ای با مسائلی که با جرمها در ارتباطند، از مبارزه با اعتیاد گرفته تا مبارزه با موارد مستهجن و منافی عفت (Pronography)، رانندگی در حال مستی و جرمهای سازمان یافته (organized crimes).^۵ بعضی از این مبارزات علیه جرمهایی است که با مسائل کوتاه مدت منطقه ای در ارتباطند، اما بعضی دیگر نشان دهنده ایجاد تغییرات گسترده، اساسی و بلند مدت در تخصیص منابعی است که جهت کنترل جامعه صرف می گردند؛ نوع اخیر مبارزات منجر به ایجاد تغییرات مهمی در سیاست عمومی دولت درباره جرمها می شوند.

همیشه روال بر این بوده است که سهم عمده منابعی که در اختیار مجریان قانون است، جهت رسیدگی به جرمهای متداول، نظیر جرمهای خشونت بار^۶ و جرمهای مالی^۷، تخصیص یابند. همان طور که ساترلند^۸ سالها پیش

5- J. Best, "Road Warriors' on a Highway to Homocide": Media - Construction of the 1987 Freeway Shootings Problem", Paper Presented at the Society for Study of Social Problems, 1989.

6- violent crimes.

7- property crimes.

8- E.L. Sutherland, White-Collar Crime. (New York: Holt, Rinehart and Winston, 1949).

متذکرشد، جرمهای یقه سپید، بخصوص جرمهای صنفی که شرکتهای تجاری بزرگ مرتکب می شوند، بجای آنکه از طریق اقدامات کیفری مورد پیگرد قرار گیرند؛ از طریق اقدامات اداری تعقیب می شوند. مقامات کیفری اگر این جرمها را به طور کلی فراموش ننمایند، آن را مورد بررسی جدی هم قرار نمی دهند. اخیراً قانونگذاران و مجریان قانون بسیار علاقه مند شده اند که به بررسی جرمهای یقه سپید بپردازند و یک حرکت اجتماعی بر علیه این جرمها در جریان است.^۹ خصوصیت شایان ذکر این حرکت آن است که استفاده از قانون کیفری بر علیه جرمهای صنفی افزایش قابل توجهی یافته است.^{۱۰} جدی گرفتن جرمهای صنفی، در مقایسه با جرمهای معمولی، بیان کننده قدم مهمی در امر تنظیم سیاست عمومی دولت می باشد. زیرا جرمهای صنفی هزینه های زیادی به جامعه تحمیل می نمایند که از آن جمله می توان اختلاسهای مالی بزرگ، آلودگی محیط زیست و به خطر افتادن بهداشت عمومی افراد را نام برد. این هزینه ها با هزینه های جرمهای معمولی که در خیابانها اتفاق می افتد، قابل مقایسه نبوده بر مراتب سنگین تر است.

افزایش علاقه مقامات رسمی در رسیدگی به جرمهای یقه سپید را در درجه اول می توان در سطح مرکزی^{۱۱} مشاهده نمود. طی دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، وکلای عمومی مرکزی^{۱۲} به محاکمه مجموعه ای وسیع از جرمهای یقه سپید پرداختند و نخبگان تجاری-سیاسی^{۱۳} و شرکتهای قدرتمندی را که با انجام این جرمها در ارتباط بودند، محکوم نمودند.^{۱۴} نهادهای بازجویی کننده بر

9- F. T. Cullen, W. J. Maakestad, and G. Cavender, *Corporate Crime Under Attack: The Ford Case and Beyond*. (Cincinnati: Anderson Publishing Co., 1987).

10- J. Magnuson and G. Leviton, "Policy Considerations in Corporate Criminal Prosecutions After People: V. Film Recovery Systems, Inc." *Notre Dame Law Review*, 1987, 62: 913-939.

11- federal level.

12- Federal prosecutors.

13-business and political elites.

14- F. T. Cullen, W. J. Maakestad, and G. Cavender, *op.cit.*

سطح مرکزی^{۱۵} نیز اولویت هایشان را تغییر دادند. من باب مثال FBI^{۱۶} بعد از دهه ها تمرکز بر روی جرمهایی از قبیل دزدی از بانکها، دزدی اتومبیلها و تعقیب مخالفان سیاسی، اولویتهایش را تغییر داد و اهمیت بیشتری برای رسیدگی به جرمهای یقه سپید قایل شد.^{۱۷} این نهاد بازجوییهایش را در باره جرمهای یقه سپید افزایش بخشید و برای رسیدگی بهتر به مسائل پیچیده مالی که با بیشتر جرمهای یقه سپید همراه بود، به استخدام نیروهایی که در حسابداری سابقه داشتند؛ پرداخت.^{۱۸} دیگر نهادهای بازجویی کننده، نظیر کمیسیون امنیت و مبادله^{۱۹} و بخش ضد تراست وزارت دادگستری^{۲۰}، نیز به تعقیب بیشتر این نوع جرمها پرداختند.^{۲۱} مقامات رده بالا در سطح مرکزی نیز با بیانیه های متعدد این تغییر در اولویت ها را تأیید نمودند.

در اثر این تغییر در اولویتهای، نسبت محاکمه جرمهای یقه سپید به جرمهای معمولی در کل محاکمات کیفری افزایش یافت. در سال ۱۹۷۰ محاکمه جرمهای یقه سپید تنها ۸ درصد کل محاکمات را تشکیل می دادند، در حالیکه در سال ۱۹۸۴ این نسبت به ۲۵ درصد افزایش یافت.^{۲۲} افزایش محاکمه جرمهای یقه سپید در سطح مرکزی^{۲۳} ظاهراً ادامه دارد. بر اساس یک گزارش،

15- federal investigative agencies.

16- Federal Bureau of Investigation.

17- J. Katz, "The Social Movement Against White-Collar Crime", *Criminology Review Yearbook*, 1980, 2: 161-84.

18- N. Abrams, "Assessing the Federal Government's War on White-Collar Crime", *Temple Law Review*, 1980, 53: 984-1008

19-Securities and Exchange Commission.

20- Antitrust Division of the Department of Justice.

21- M. Saxon, *White-Collar Crime: The Problem and the Federal Response*, (Washington, DC: Congressional Research Service, 1980) pp. 34-40.

22- P. Marcotte, "Corporations Under the Gun". *ABA Journal*, 1987, 73: 32-33.

23- federal white-collar prosecutors.

بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷ تعداد افرادی که به اتهام ارتکاب انواع اختلاسهای مالی توسط وکلای عمومی مرکزی محاکمه شدند، ۱۱۵ برابر شد؛ در حالیکه محاکمات جرمهای معمولی فقط ۴۸ درصد افزایش یافت.^{۲۴}

علاوه بر دولت مرکزی، مجریان قانون در سطح ایالتی و محلی^{۲۵} نیز روی مسئله جرمهای یقه سپید تمرکز نمودند. در سطح محلی، NDAA^{۲۶} با تشویق یک گروه مبتکر از وکلای عمومی محلی، کمیته جرمهای اقتصادی^{۲۷} را در سال ۱۹۷۲ تأسیس نمود. وظیفه این کمیته آن بود که محاکمه جرمهای یقه سپید را تسریع نماید و توانایی وکلای عمومی محلی را برای مقابله با این جرمها افزایش بخشد.^{۲۸} در سال ۱۹۸۷ وکلای بیش از ۶۰ اداره محلی در پروژه مذکور (پروژه جرمهای اقتصادی) شرکت داشتند.^{۲۹} در سطح ایالت، داستان رسیدگی به مسئله کلاهبرداری از مصرف کننده^{۳۰} را، که یک نوع جرم یقه سپید است، به عنوان اولین اولویت در سال ۱۹۷۲ اعلام نمود. طبق اظهارات اسکلر^{۳۱} منابع لازم (از نیروی انسانی گرفته تا منابع دیگر) هر چه بیشتر

24- Bureau of Justice Statistics, 1989.

25- local and state law enforcement officials.

26- The National District Attorneys' Association.

27-Economic Crime Committe.

28- H. Edelhertz, and C. Rogovin, A National Strategy for Containing White-Collar Crime. (Lexington, MA: Lexington Books, 1980 a) pp. ix-xi.

29- H. Edelhertz, and C. Rogovin, "Symposium Background" pp. 11-17, in A National Strategy for Containing White-Collar Crime, by Herbert Edelhertz and C. Rogovin, (Lexington, MA: Lexington Books, 1980 b), p.11.

30- consumer fraud.

31- D. L. Skoler, " White-Collar Crime and the Criminal Justice System: Problems and Challenges", pp. 57-76, in A National Strategy for Containing White-Collar Crime, by H. Edelhertz and C. Rogovin, 1980.

جهت رسیدگی به این جرائم اختصاص یافت. ادل هرتز و راگوین^{۳۲} نسبت به این اقدامات بسیار خوشبین بودند:

از سال ۱۹۷۸ وکلا در تمام مناطق امریکا ادغان داشتند که محاکمه جرمهای یقه سپید هم وظیفه وکلای عمومی محلی و هم وظیفه وکلای عمومی مرکزی است. وکلای عمومی محلی بیش از هر زمان دیگر آمادگی داشتند که منابع گوناگون، از نیروی انسانی گرفته تا منابع مالی را علی رغم نیاز به استفاده از آنها برای مقابله با جرمهای خشونت بار و جرمهای مالی متداول، جهت رسیدگی به جرمهای یقه سپید اختصاص دهند. وکلای دستیار محلی^{۳۳} تربیت شدند تا به کلاهبرداریهای پیچیده تر، از قبیل اقدامات ضد تراست رسیدگی نمایند. وکلای دستیار محلی که در پروژه جرمهای اقتصادی شرکت داشتند، به صورت شبکه ای به یکدیگر مربوط شدند. بعضی از آنها به هماهنگ نمودن فعالیتها در سراسر حوزه های قضایی (و گاهی اوقات در سراسر کشور امریکا) پرداختند.

همان طور که ادل هرتز و راگوین معتقدند، یکی از مهمترین پیشرفتهایی که در دهه های ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۸۰ بوجود آمد، تأیید این امر بود که برای برخورد مؤثر با جرم یقه سپید نیاز به سلاهای اجرایی جدید هست. بسیاری از جرمهای یقه سپید، بخصوص جرمهای صنفی که شرکتهای مرتکب می شوند، مسائل خاصی را برای مجریان قانون ایجاد می نمایند. از آنجا که جرمهای صنفی غالباً با امور عادی تجاری آمیخته اند، خود قربانیان در بسیاری از موارد از فاجعه مطلع نیستند؛ در نتیجه کشف جرمهای صنفی مشکل است. تازه هنگامی که پرده از این جرمها برداشته می شود، بازجویی و محاکمه متهمین آنها نیز پر زحمت است، زیرا از يك طرف متهمین این جرمها توانایی مالی برای دسترسی به وکلای مدافعی را دارند که قادرند از حمایتهایی که

32-H. Edelhertz, and C. Rogovin, *op. cit.* 1980b:11.

33- local assisstant district attorneys.

قانون برای متهمین فراهم کرده، استفاده کامل را بنمایند.^{۳۴} از طرف دیگر مدارک جرمهای صنفی معمولاً شامل اطلاعات پیچیده مالی و تکنیکی است که درک و تفسیر آنها مشکل است. بازجوییها و محاکمات نیز معمولاً طولانی و پرهزینه هستند. در نتیجه وکلای عمومی محلی ای که با شبکه های دیگر ارتباط ندارند، غالباً فاقد منابع و مهارتهایی هستند که جهت انجام موفقیت آمیز بازجویی و محاکمه جرمهای صنفی مورد نیاز است.

برای فائق آمدن بر مشکلات مربوط به بازجویی و محاکمه جرمهای صنفی دو استراتژی پیشنهاد شده است. اولین استراتژی ایجاد واحدهای خاص جرمهای اقتصادی^{۳۵} در ادارات وکلای عمومی محلی است. این واحدها در طول زمان می توانند با تمرکز بر روی جرمهای اقتصادی، مهارتهای تکنیکی و قانونی لازم جهت رسیدگی به این موارد پیچیده را بدست آورند. دومین استراتژی ایجاد شبکه هایی از نهادهای مجری قانون و نهادهای قانونگذار است که مقامات حقوقی از تمام سطوح (محلی، ایالتی، مرکزی) در آن حضور دارند. اعضای این شبکه های کنترل، اطلاعاتشان را بایکدیگر مبادله خواهند کرد، مهارتها و منابعشان را در اختیار یکدیگر خواهند گذارد، و برنامه های هماهنگ برای کنترل جرمهای اقتصادی محلی ایجاد خواهند نمود. در واقع پروژه جرمهای اقتصادی NDAA بر اساس این عقیده استوار بود که وکلای عمومی محلی نیاز به ایجاد واحدهای مخصوصی دارند و لازم است که با شبکه های کنترل ارتباط داشته باشند. ارزیابیهای متعددی که از عملکرد نمونه هایی از واحدهای جرم اقتصادی به عمل آمد، نشان دهنده آن است که این تاکتیکها می توانند به طور موفقیت آمیز در سطح محلی به مورد اجرا در آیند.^{۳۶} مقامات بخش قضایی و NDAA نیز از همکاری بیشتر میان وکلای

34-K. Mann, *Defending White-Collar Crime*. (New Haven: Yale University Press, 1985).

35- Special Economic Crime Units.

36- P. Finn, and A.R. Hoffman, *Exemplary Projects: Prosecution of Economic Crime* (Washington, DC: National Institute of Law Enforcement and Criminal Justice, 1976).

عمومی مرکزی، ایالتی و محلی و نهادهای مجری قانون حمایت می نمایند.^{۳۷} در امریکا، سهم عمده هزینه ای که صرف اجرای قانون می گردد، در سطح محلی صورت می گیرد. بنابر این می توان چنین نتیجه گرفت که علی رغم نقش تاریخی دولت مرکزی در مبارزه با جرمهای یقه سپید، اگر برنامه مبارزه با جرمهای یقه سپید بخواهد حقیقتاً مؤثر واقع شود، باید دولت محلی در این مبارزه نقش داشته باشد.^{۳۸} بنابر این تقاضا برای همکاری و هماهنگی بیشتر میان مجریان قانون در سطوح مرکزی، ایالتی و محلی نشان دهنده یک پیشرفت مهم در سیاست عمومی دولت در مورد جرمهای یقه سپید است. روند جدید همکاری میان نهادها نشان دهنده آن است که حرکتی که علیه جرمهای یقه سپید ایجاد شده، ممکن است منجر به ایجاد یک اصلاح نهادی گردد. منظور از نهادی شدن، ایجاد ترتیبات جدید ساختی برای کنترل این جرمها است.

به هر حال، احتمال نهادی شدن مبارزه با جرمهای یقه سپید به هیچ وجه حتمی نیست. در واقع، کاتز آن را به وضوح رد کرده است. به عقیده کاتز، مبارزه با جرمهای یقه سپید، برای اولین بار به صورت یک سری اقدامات مستقل و مجزا، توسط مجریان قانون و در درجه اول وکلای عمومی مرکزی آغاز گردید. او پیش بینی نمود که رسیدگی به جرمهای یقه سپید، با ایجاد شبکه های کنترل تسهیل نخواهد شد و غیر متمرکز باقی خواهد ماند و کماکان به شرایط محلی بستگی خواهد داشت.^{۳۹}

در باره این مسئله که آیا حرکتی که بر علیه جرمهای یقه سپید آغاز شده به ماورای سطح مرکزی گسترش یافته و سطوح ایالتی و محلی را نیز در بر گرفته است و آیا ترتیبات ساختی جدیدی بوجود آمده است، تا به امروز ارزیابی سیستماتیکی صورت نگرفته است.^{۴۰} بخصوص اطلاع دقیقی در دست

37-N. Abrams, op.cit.

38- D. L. Skoler, op.cit.

39- J. katz, op.cit., p. 179.

40- Michael Benson, William Maakestad, Francis Cullen, and Gilbert



نیست که نشان دهد توجه مقامات قضایی غیر مرکزی (ایالتی و محلی) به مسئله جرمهای یقه سپید شامل چه جرمهایی است، جرمهایی که شرکتهای بزرگ مرتکب آنها می شوند یا جرمهایی که دیگر بنگاههای تجاری به ارتکاب آنها ناست می زنند. به نظر صاحب نظران، این احتمال وجود دارد که حرکت بر علیه جرمهای یقه سپید، بجای اینکه عملکرد زیان آور و خسارت بار شرکتهای را کنترل نماید، به نظارت و مجازات افرادی که مرتکب این جرمها می شوند؛ بینجامد.^{۴۱} این موضوع مایه تاسف خواهد بود، زیرا سازمانها در مقایسه با افراد، توانایی بیشتری در ایجاد ضررهای جدی تر و گسترده تر دارند.^{۴۲} اکنون که بیش از یک دهه از توجه عموم به جرمهای یقه سپید می گذرد، زمان آن رسیده است که بررسی شود به چه میزان این حرکت به سطح مقامات حقوقی محلی نفوذ نموده است. تحقیق حاضر این مطلب را از طریق یک Survey سراسری^{۴۳} از تمام وکلای عمومی محلی در امریکا مورد بررسی قرار می دهد.

روشها

داده هایی که برای بررسی این موضوع بکار رفته، از طریق یک Survey سراسری از تمام وکلای عمومی در امریکا تهیه شده است. با استفاده از یک لیست وکلای عمومی محلی از سراسر امریکا که NDAA تهیه نموده است، یک نمونه از این وکلا را انتخاب نمودیم و پرسشنامه ها را برای این نمونه ارسال داشتیم. هر یک از وکلای موجود در لیست NDAA که حوزه قضایی او در منطقه آمار شهری (MSA)^{۴۴} آن گونه که اداره سرشماری امریکا^{۴۵} تعریف کرده

Geis, " District Attorneys and Corporate Crime: Surveying the Prosecutorial Gatekeepers", *Criminology*, 1988, 26: 501-514.

41- F.T. Cullen, W.J. Maakestad, and G. Cavender, op.cit.

42- M.B. Clinard, and P.C. Yeager, *Corporate Crime*. (New York: The Free Press, MacMillan Publishing, 1980).

43- National Survey. این Survey سرتاسر امریکا را در بر می گیرد.

44- Metropolitan Statistical Area (MSA).

45- U.S. Census Bureau

است، قرار داشت؛ يك پرسشنامه دریافت نمود (N=۶۳۲). از وکلای باقیمانده نیز به طور تصادفی^{۴۶} يك نمونه انتخاب شد، که ۲۵ درصد (N=۴۱۰) وکلای باقیمانده را تشکیل می دادند، برای آنها نیز پرسشنامه ارسال نمودیم. بنابراین کل نمونه شامل ۱۰۴۲ نفر بود (N=۱۰۴۲)، این تعداد تقریباً يك سوم کل اعضای NDAA را در بر می گرفت. بعد از مکاتبات مکرر بعدی جهت پیگیری موضوع و تشویق آنها در پر کردن پرسشنامه و برگرداندن آن، میزان پاسخ نهایی بالای ۶۵ درصد بود (N=۶۸۶).

سؤالات پرسشنامه روی میزان تجربیات وکلا و طرز تلقی آنها از جرمهای صنفی تمرکز داشت. تعریفی که از جرم صنفی به عمل آمد، به قرار زیر بود: «نقض يك قانون قضایی توسط سهامداران يك شرکت^{۴۷}، یا توسط مقامات اجرایی و کارکنان آن شرکت، و یا توسط عواملی که به نحوی به نفع شرکت و سهامداران فعالیت می کنند».

انجام چنین تحقیق سراسری از تمام وکلای عمومی محلی در امریکا کاری پیچیده و مشکل است، زیرا سیستمهای عدالت کیفری موجود در ایالتها یکسان نیستند. در بیشتر ایالتها، محاکمات کیفری توسط مقامی که در همان محل انتخاب شده است و نماینده يك استان^{۴۸} و یا يك منطقه جغرافیایی معادل استان است، صورت می گیرد. این مقام محلی غالباً وکیل عمومی محلی^{۴۹} یا وکیل عمومی ایالتی^{۵۰} نامیده می شود. اما استثناهای متعددی هم وجود دارد. در بعضی ایالات بررسی اتهامات گوناگون از قبیل جنحه و جنایت، توسط مقامات متفاوتی صورت می پذیرد. در انتخاب نمونه سعی نمودیم مشخص نماییم که در سیستم قانونی هر ایالتی چه مقامی مسئول انجام محاکمات کیفری در آن محل است. این اطلاعات را از قوانین هر ایالت بدست آوردیم. همچنین برای تمام نمونه، داده های سر شماری^{۵۱}

46- randomly.

48- county.

50- state attorney.

47- corporate entity.

49- district attorney.

51- census data.

متعلق به سال ۱۹۸۸ را از منبع: " City-County Data Book Files on Diskette" جمع آوری نمودیم.

این اطلاعات سرشماری را با اطلاعاتی که از طریق Survey بدست آوردیم، آمیختیم. در بعضی ایالات، بخشهای قضایی محلی با مرزبندیهای استانی مطابقت ندارند، به این معنا که یک بخش قضایی ممکن است چند استان را در بر گیرد. برای چنین بخشهایی اطلاعات سرشماری آن استانها را با هم آمیختیم و ترکیب نمودیم. برای مثال، جمعیت یک بخشی که سه استان را در بر می گیرد، مجموع جمعیتهای آن سه استان است. برای محاسبه متغیرهایی مانند نسبت جرم و نسبت بیکاری در سطح چنین بخشهایی، از فرمولهای پیچیده دیگری استفاده نمودیم. چون به اطلاعات سرشماری مربوط به تمام بخشها (بخشهایی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند و بخشهایی که پاسخ ندادند) دسترسی داشتیم، قادر بودیم که احتمال وجود اشتباه سیستماتیک در نمونه گیری^{۵۲} را مورد ارزیابی قرار دهیم.

نتایج

اشتباه سیستماتیک در نمونه گیری:

برای تعیین احتمال وجود فرق سیستماتیک بین حوزه هایی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند و حوزه هایی که پاسخ ندادند، سرشماری مربوط به جمعیت، میزان جنایت، هزینه های حکومت و میزان ثروت این بخشها را با هم مقایسه نمودیم. در مورد جمعیت، فرق مهمی بین بخشهایی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند و بخشهایی که پاسخ ندادند، وجود نداشت. متوسط جمعیت بخشهایی که پاسخ دادند، ۱۸۴.۶۱۱ نفر است؛ در حالیکه متوسط جمعیت بخشهایی که پاسخ دادند، ۱۸۶.۳۸۰ نفر است. به همین ترتیب فرق مهمی بین این دو بخش در مورد «نسبت جرم»، «هزینه کلی حکومت»، «هزینه ای که حمایت از پلیس برای حکومت در بر دارد» و «درآمد سرانه هر

فرد» وجود نداشت. علی رغم تشابه خصوصیات این بخشها، احتمال آن هست که وکلای محلی ای که به پرسشنامه ها پاسخ ندادند، طرز تلقیشان از جرم صنفی با طرز تلقی وکلایی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند، به طور سیستماتیک متفاوت باشد.

طرز تلقی ها:

آیا وکلای محلی، آن طور که ادل هرترز پیشنهاد می کند، آماده هستند که منابعشان را، از نیروی انسانی گرفته تا منابع مالی، برای کنترل جرم صنفی اختصاص دهند؟ هنگامی که از جدی بودن مسئله جرمهای صنفی در حوزه آنها سؤال شد، پاسخ ۵۷/۷ درصد وکلا آن بود که این مسئله اصلاً جدی نیست. فقط ۳/۴ درصد آنها جرمهای صنفی در سطح محلی را یک مسئله خیلی جدی، می دانستند و ۲۲/۹ درصد آن را مسئله ای می دیدند که تا حدوی جدی است. در پاسخ به این سؤال که آیا انتظار دارند در آینده موارد بیشتر، یکسان، یا کمتری از جرمهای صنفی را محاکمه نمایند، ۵۷/۹ درصد پیش بینی کردند که تعداد این نوع محاکمات با گذشته یکسان باشد. حدود یک پنجم (۲۲/۲ درصد) پیش بینی کردند که در آینده موارد بیشتری از این نوع محاکمات داشته باشند. یک بخش بسیار کمی از آنها، حدود یک درصد، پیش بینی کردند که در آینده موارد کمتری از این نوع جرمها را محاکمه نمایند. آمار مربوط به گذشته هم تقریباً همین درصدها را نشان می دهد. حدود دو سوم نمونه گزارش دادند که تعداد جرمهای صنفی ای که آنها طی دوران تصدی شان به عنوان وکیل عمومی مورد محاکمه قرار داده اند، یکسان مانده است. حدود یک پنجم گزارش دادند که افزایش وجود داشته است و کمتر از یک درصد گزارش دادند که کاهش وجود داشته است.

در بخشهای روستایی، همان طور که از معنای آن بر می آید، احتمال زیادی برای وجود فعالیتهای صنفی و تجاری نیست. بنابراین احتمال وقوع جرمهای صنفی در این مناطق کمتر است. ممکن است به دلیل وجود اقلیتی از بخشهای روستایی که در نمونه آماری وجود دارد، اهمیت مسئله جرمهای

صنفتی، آن طور که مد نظر وکلای عمومی محلی در بخشهای شهری است؛ به طور صحیح در تجزیه و تحلیل انعکاس نیابد. برای اطمینان از طرز تلقی وکلای بخشهای شهری، داده های مربوط به طرز تلقی وکلایی را که در بخشهای شهری (MSA) یا نزدیک به آن فعالیت دارند، دوباره مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. همان طور که انتظار می رفت، وکلایی که در بخشهای شهری مشغول به خدمت هستند، احتمال بیشتری دارد که جرمهای صنفتی را یک مسئله مهم قلمداد نمایند. علی رغم این مطلب، در صد وکلایی که جرمهای صنفتی را یک جرم جدی می دانند هنوز کم و فقط ۴/۶ در صد است. حدود نصف این وکلا (۴۹٪) جرمهای صنفتی را اصلاً جدی نمی دانند و حدود یک سوم آنها این گونه جرمها را تا اندازه ای جدی می دانند. اکثر وکلای بخش شهری گزارش می دهند که درصد محاکمات جرمهای صنفتی در محل خدمت آنها یکسان مانده است و پیش بینی می کنند که در آینده نیز به همین منوال ادامه داشته باشد.

قبل از تخصیص منابع برای حل یک مسئله، لازم است که آن مسئله جدی باشد. داده های ما نشان می دهد که اکثر وکلای محلی آماده نیستند زیاد به جرمهای صنفتی بپردازند. اکثریت این وکلا جرمهای صنفتی را یک مسئله خیلی جدی نمی دانند و در نظر ندارند که در آینده موارد بیشتری از این جرمها را محاکمه نمایند.

فعالیتها:

از وکلای پاسخ دهنده سؤال نمودیم که آیا اداره آنها، در سال ۱۹۸۸، انواع متعددی از جرمهای صنفتی را محاکمه نموده است؟ همان طور که جدول ۱ نشان می دهد، طی آن سال اکثریت آنها جرمهای مورد سؤال را محاکمه نکرده بودند. وکلایی که در بخشهای شهری فعالیت داشتند، احتمال بیشتری داشت که هر یک از جرمهای مذکور را محاکمه کرده باشند. اما علی رغم این، اکثریت وکلای شهری نیز هیچکدام از جرمهای مذکور را در سال ۱۹۸۸ محاکمه نکرده بودند.

جدول ۱

در صد وکلای حوزه های شهری و روستایی که جرمهای صنفی را در سال ۱۹۸۸ محاکمه نمودند.

نوع حوزه			جرم صنفی
مجموع حوزه ها	شهری	روستایی	
۳۱/۰	۴۱/۱	۱۵/۳	کلاهبرداری از مصرف کننده
۱۵/۶	۲۲/۶	۴/۶	تقلب در اوراق قرضه ^{۵۳}
۲۲/۷	۳۱/۱	۹/۳	عدم جبران خسارت توسط شرکتهای بیمه ^{۵۴}
۱۱/۵	۱۵/۹	۴/۷	کوتاهی در پرداخت مالیات ^{۵۵}
۲۳/۲	۳۱/۲	۱۰/۹	دروغگویی در اعلام خسارت ^{۵۶} وجود شرایط غیر صحیح و
۷/۵	۱۰/۹	۲/۳	نا امن محیط کار ^{۵۷}
۲۳/۷	۳۰/۸	۱۲/۸	آلودگی محیط زیست ^{۵۸}
۹/۹	۱۵/۷	۱/۲	رشوه ^{۵۹}
۱/۲	۷/۷	۵/۳	استفاده از روشهای ناصواب در تجارت ^{۶۰}

53- Securities fraud.

55- Tax fraud.

57- Work place offenses.

59- Illegal payments.

54- Insurance fraud.

56- False calims.

58- Environmental offenses.

60- Unfair trade practices.

برای حصول اطمینان از اینکه سال ۱۹۸۸ از لحاظ تعداد محاکمات جرمهای صنفی يك سال معمولی بوده است، از وكلا سؤال شد که در هر سال چه تعداد جرم صنفی را محاکمه می نمایند. جدول ۲ نقطه نظرات وکلای بخشهای شهری را در این مورد نشان می دهد. نوعاً بسیاری از وکلایی که در بخشهای شهری مشغول خدمت هستند، کمتر از يك مورد از اتهامات صنفی مذکور را در هر سال محاکمه می نمایند. به این معنا که ممکن است در يك سال با محاکمه چنین موردی مواجه گردند و در سال دیگر چنین موردی نداشته باشند. اقلیتی از وكلا بیشتر از سه مورد از این جرمها را در هر سال محاکمه می نمایند، اما در مجموع سطح فعالیت جهت محاکمه جرمهای صنفی بسیار پایین است.

جدول ۲

تعداد محاکمات جرمهای صنفی در حوزه های شهری در يك سال

تعداد محاکمات (درصد)				جرم صنفی
هرگز	کمتر از يك مورد در هر سال	يك تا سه مورد در هر سال	بیشتر از سه مورد در هر سال	
۳۱/۶	۳۲/۶	۲۰/۸	۱۵/۰	کلاهبرداری از مصرف کننده
۶/۵	۲۸/۰	۱۲/۲	۳/۴۵	تقلب در اوراق قرضه عدم جبران خسارت
۳۶/۹	۳۹/۶	۱۴/۶	۹/۰	توسط شرکتهای بیمه کوتاهی در پرداخت
۶۱/۶	۲۵/۲	۷/۵	۵/۶	مالیات دروغگویی در اعلام
۴۰/۳	۳۳/۵	۱۴/۹	۱۱/۳	خسارت

۱/۲	۵/۲	۲۵/۷	۶۷/۹	وجود شرایط غیر صحیح و نا امن در محیط کار
۸/۲	۱۳/۱	۳۳/۵	۴۵/۴	آلودگی محیط زیست
۲/۲	۹/۶	۳۷/۵	۵۰/۶	رشوه
				استفاده از روشهای ناصواب در تجارت
۴/۴	۳/۰	۱۷/۵	۷۵/۱	

شبکه ها، همکاریها و هماهنگیها:

استفاده گسترده از شبکه های کنترل و انعقاد پیمانهای همکاری شواهدی خواهند بود دال بر آنکه حرکت بر علیه جرمهای صنفی به محکوم نمودن این جرمها اکتفا ننموده است و به سوی اصلاح نهادی پیش می رود. فقط کمتر از ۱۵ درصد وکلای پاسخ دهنده اظهار داشتند که اداره آنها دارای یک واحد خاص است که به محاکمه جرمهای اقتصادی یا جرمهای یقه سپید اختصاص دارد (N=۹۷). فقط ۵ درصد (N=۳۴) گزارش دادند که با یک شبکه کنترل که بر روی جرمهای اقتصادی و یقه سپید تمرکز دارد، در تماسند. این دو گروه با هم همپوشی (overlap) قابل ملاحظه ای دارند، به طوریکه سه چهارم کسانی که با یک شبکه کنترل در تماسند، یک واحد خاص هم برای محاکمه نمودن این جرمها دارند. بنا بر این مجموعاً ۱۰۵ نفر از وکلای پاسخ دهنده (۱۵/۳ درصد) دارای تشکیلات خاصی برای رسیدگی به جرمهای صنفی و اقتصادی هستند.

داشتن یک واحد برای رسیدگی به این جرمها، یا تماس با یک شبکه کنترل، تأثیر مستقیمی در تعداد محاکمات جرمهای صنفی دارد. جدول ۲ نشان دهنده تأثیر این تشکیلات در فعالیتهای محاکماتی است. این مسئله روشن است که مناطقی که دارای یک واحد خاص هستند، بیشتر از مناطقی که فاقد این واحد هستند؛ جرمهای صنفی را محاکمه می نمایند. این تفاوت، مخصوصاً در مورد

تقلب در اوراق قرضه، آلودگی محیط زیست، رشوه و استفاده از روشهای ناصواب در تجارت قابل ملاحظه است. این موارد احتمالاً پیچیده ترین نوع اتهامات صنفی هستند. نواحی ای که دارای تشکیلات خاصی هستند ظاهراً از توانایی بسیار بیشتری برای مقابله با این جرمهای پیچیده برخوردارند.

این امر که نیاز به ایجاد همکاری میان نهادهای مجری قانون و نهادهای قانونگذار در تمام سطوح دولت (محلی، ایالتی، مرکزی) وجود دارد، بسیار مورد تأیید واقع شده است. این شبکه های همکاری امکان دستیابی به مهارتهای تکنیکی و منابع بازجویی را برای وکیلان مهیا می سازند که البته بدون آنها وکلا قادر نخواهند بود با جرمهای پیچیده صنفی مقابله نمایند.

جدول ۳

اثر تشکیلات خاص در فراوانی جرمهای صنفی در نواحی شهری (به درصد)

تشیکیلات خاص				جرم صنفی
بله		خیر		
یک تاسه مورد در هر سال	بیش از سه مورد در هر سال	یک تاسه مورد در هر سال	بیش از سه مورد در هر سال	
۳۰/۴	۴۱/۲	۱۷/۶	۶/۴	کلاهبرداری از مصرف کننده
۳۶/۰	۱۳/۶	۵/۵	۰/۰	تقلب در اوراق قرضه عدم جبران خسارت
۲۶/۷	۲۴/۸	۱۰/۶	۳/۹	توسط شرکتهای بیمه کوتاهی در پرداخت
۱۲/۸	۱۱/۷	۵/۸	۳/۶	مالیات دروغگویی در اعلام
۲۴/۲	۲۷/۳	۱۱/۹	۶/۱	خسارت

۳/۳	۱/۳	۱۱/۰	۱/۰	وجود شرایط غیر صحیح
۴/۲	۱۰/۹	۲۰/۶	۱۹/۶	ونا امن در محیط کار
۱/۰	۴/۹	۶/۱۲	۴/۲	آلودگی محیط زیست
				رشوه
				استفاده از روشهای
۱/۰	۱/۳	۱۴/۹	۷/۹	ناصواب در تجارت

از وکلای پاسخ دهنده سؤال شد که تا چه حد با نهادهای مذکور در پرسشنامه همکاری داشته اند. بیش از ۷۰ درصد آنها اظهار داشتند که هرگز با نهادهای قانونگذار مرکزی^{۶۱} در یک بازرسی مشترک همکاری نداشته اند. دو سوم آنها هرگز در نواحی خود با وکیل مدافع امریکا^{۶۲} همکاری نداشته اند. ۶۰ درصد آنها هرگز با FBI همکاری نداشته اند. همکاری میان وکلای عمومی محلی و نهادهای ایالتی قدری بیشتر است، گرچه هنوز خیلی زیاد نیست. از هر ۵ وکیل عمومی محلی، تقریباً یک وکیل بیشتر از یک بار در هر سال با پلیس ایالتی یا با اداره دادرسی ایالتی همکاری دارد. فقط زیر ۲۰ درصد این نواحی با نهادهای قانونگذار ایالتی همکاری داشته اند. همان طور که داده ها نشان می دهند، احتمال وجود همکاری بیشتری بین وکلای عمومی محلی و پلیس محلی هست. به این معنا که وکلا منتظر پلیس می مانند تا موردی را برای رسیدگی به ایشان ارجاع دهد. این مطلب قدری جای تعجب دارد و نشان دهنده آن است که بسیاری از وکلا روش عکس العملی سنتی را که در مورد جرائم معمولی بکار می گیرند، در مورد جرمهای صنفی هم بکار می برند. البته این امر ممکن است به این دلیل باشد که جرمهای صنفی مورد بازجویی آنقدر عادی و از نوع کلاهبرداری از مصرف کننده بوده اند که پلیس ها

61- Federal regulatory agencies.

62- U.S. attorney.

بیشتر از دیگران در جریان آنها قرار گرفته اند. ۶۳

جدول ۴

تعداد باز جوییهایی که مشترکاً با نهادهای مجری قانون یا با نهادهای قانونگذار در بخشهای شهری صورت گرفته است. (به درصد)

باز جوییهای مشترک				نهاد
کمتر از يك بار در سال	يك تا سه بار در سال	بیشتر از سه بار در سال	هرگز	
۳۳/۳	۲۲/۲	۱۵/۸	۲۸/۶	پلیس محلی ۶۴
۳۳/۰	۱۶/۰	۶/۵	۴۴/۲	پلیس ایالتی ۶۵
۲۹/۶	۱۶/۴	۵/۴	۲۸/۶	داستانای ایالتی ۶۶
۳۵/۹	۱۶/۵	۱۲/۲	۳۵/۳	نهادهای قانونگذار ایالتی
۲۲/۴	۵/۹	۱/۰	۷۰/۷	نهادهای قانونگذار مرکزی
۲۵/۶	۵/۸	۱/۵	۶۶/۸	وکیل مدافع امریکا
۲۹/۳	۷/۳	۲/۵	۶۹/۹	FBI

موضوع مورد تحقیق دیگر آن بود که آیا داشتن يك واحد مخصوص برای رسیدگی به جرایم اقتصادی، یا همکاری داشتن با يك شبکه کنترل، یا در گیر بودن با جرایم اقتصادی، تأثیری بر روی تعداد بازجوییهای مشترک انجام شده دارد؟ همان طور که پیش بینی می شد، در نواحی ای که تشکیلات خاصی برای رسیدگی به جرمهای یقه سپید موجود بود، همکاری بیشتری با نهادهای دیگر

63- E. Stotland, " The Role of Law Enforcement in the Fight Against white-Collar crime", pp. 69-98, in *White-Collar Crime: An Agenda for Research*, edited by Herbert Edelherts and Thomas D. Overcast. Lexington, MA: Lexington Books.

64- Local police.

65- State police.

66- State attorney general.

67- State regulatory agencies.

وجود داشت، اما هنوز همکاری گسترده با نهادهای مرکزی معمول نبود. کمتر از یک چهارم این نواحی حداقل یک بار در سال با FBI، وکیل مدافع امریکا، و نهادهای قانونگذار مرکزی همکاری می کنند. بر عکس، سه چهارم این بخشها حداقل یک بار در سال و ۴۰ درصد آنها سه بار در سال با پلیس محلی در باره یک مورد صنفی همکاری می کنند.

به طور خلاصه به نظر می آید که هماهنگی گسترده ای بین فعالیتهای دولت محلی و دولت مرکزی بر علیه جرمهای صنفی وجود ندارد.^{۶۸} همکاری بین وکلای عمومی محلی، ایالتی و مرکزی بسیار ناچیز است و در مورد جرمهای صنفی، بیشتر وکلا با پلیس محلی بیش از هر نهاد دیگری همکاری می کنند.

ارزیابی

به دلیل نداشتن داده های مربوط به دوره های قبل درباره اقدامات محلی بر علیه جرمهای صنفی، نمی توانیم درباره روند رشد فعالیتهای وکلای محلی در رسیدگی به این جرایم به طور قطع اظهار نظر نماییم. احتمالاً میزان علاقه، فعالیت و همکاری وکلای عمومی محلی درباره جرمهای صنفی بالاست و در حال رشد هم هست. اما بدون داشتن داده های دوره های قبل نمی توانیم این مطلب را با اطمینان بازگو نماییم. می دانیم که تا سال ۱۹۷۸ تقریباً ۶۶ واحد خاص در پروژه جرمهای اقتصادی NDAA شرکت داشتند. Survey حاضر که فاقد اطلاعات مربوط به ۳۳ درصد بخشهای شهری است، نشان می دهد که بیش از یکصد حوزه دارای چنین واحدهایی هستند. افزایش تعداد واحدهای خاص نشان دهنده آن است که جرمهای صنفی و دیگر جرمهای یقه سپید همچنان مورد توجه وکلای عمومی هستند.

متأسفانه، شواهد کمی از همکاری گسترده در بین وکلای عمومی محلی و وکلا در سطوح دیگر دولت بخصوص وکلای عمومی مرکزی وجود دارد. این عدم

همکاری منجر به آن خواهد شد که از وقوع بسیاری از جرمهای صنفی اطلاع حاصل نگردد و مهمتر آنکه استفاده از قانون کیفری بر علیه متهمین صنفی به صورت خیلی متفرق و پراکنده صورت پذیرد.